

۷۶۷۷۷

سنا بجر عمارت و ایلدقل

ترجمہ : محمد بروہہ

ترجمہ : مرتضیٰ اسد خواہ

ماہی

سرشناسه :

Dumas, Alexandre

عنوان و نام پدیدآور : مستاجر عمارت ویلدفیل آن پروتته مرتضی اسدخواه - مترجم

مشخصات نشر : تهران : پادبان ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۴۴۸ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۵-۵۹-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : عنوان اصلی: Bird love

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ قبلی: اردیبهشت، ۱۳۹۳.

موضوع : داستان‌های فرانسه - قرن ۱۹م.

موضوع : French fiction -- ۱۹th century

شناسه افزوده: مرتضی اسدخواه - مترجم

رده بندی کنگره: PQ۲۲۵۴ / ک۲۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۸

شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۰۷۱۰۸



آدرس : تهران، میدان انقلاب، ح ۱۳، ورودی ۳۱۶، طبقه اول

تلفن : ۶۶۱۷۵۱۶۶-۶۶۱۱۱۵۷

عنوان کتاب : مستاجر عمارت ویلدفیل آن پروتته

نویسنده : آن پروتته

مترجم : مرتضی اسدخواه

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۵

ویراستار : مرجان صادقی

قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۵-۵۹-۰

((کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است))

آن بروته، سیندرلای ادبی

در گذشته‌های بروته و مستأجر عمارت ویلدفیل، مرتبط‌ترین نوشته با زندگی نویسنده است. واقع می‌توان این نوشته پر جاذبه را که ماجراهای فراوان و هیجان‌بخش از حدس به زندگی نویسنده تعبیر کرد.

آن بروته با جراح تمام، صراحت کافی به عدم توفیقش در شناخت مرد یا به عبارتی اشتباهش در شناخت عشق اعتراف می‌کند اما از پا نمی‌نشیند و این اشتباه را به قیمت تحمل مرارت بسیار، به سامانی درخور می‌رساند.

بروته این کتاب را طی سال‌های ۱۸۴۰ - ۱۸۴۸ نوشت. در تابستان ۱۸۴۷ برای نخستین بار چاپ شد. دربارهٔ این کتاب می‌توان گفت که اولین اعلامیهٔ اعتراض آمیز زنان انگلیس علیه ازدواج‌های سبک‌باز و بی‌مسئولیت است. در این نوع ازدواج کمتر موفقیتی برای زن تصور می‌رفت.

شخصیت اول داستان هلن هاتینگدون زنی عاقل، متدین، متفقد به اصول اخلاقی و زندگی خانوادگی است که درگیر مردی نالایق، نامناسب، هوس‌پس، ستمگر و عیاش می‌شود. شوهر هلن نه تنها با زندگی همسرش که با زندگی خودش نیز به بازی خودخواهانه آن چه من می‌خواهم درست است و باید بشود، دست می‌زند.

شوهر هلن، نمودی راستین از مرد مرفه آن روزگار انگلستان است. هلن سامانی برای زن به عنوان موجود مستقل باقی نمی‌گذارد.

آن بروته با این اثر که بی‌گمان شایسته‌ترین اثر اوست، نه تنها آیین و قوانین اجتماعی را دچار لرزلرل کرد بلکه قوانین جاری کشورش را نیز به باد تمسخر گرفت.

سینکلر، یکی از منتقدان انگلیسی در سال ۱۹۱۳ دربارهٔ این کتاب نوشت: «... بی‌تردید هلن با بستن در اتاق خواب به روی شوهرش جسارت زیادی به خرج داده و

قطعا سر و صدای زیادی در انگلستان آن روز، برانگیخته است...
مستأجر عمارت ویلد فیل با سرعت تمام به اوج موفقیت رسید و در همان سال تجدید چاپ شد.

از قول سینکлер باز هم می‌خوانیم که: «... منتقدان آن روزگار وقتی نتوانستند ارزش‌های ادبی و هنری این اثر را زیر سؤال ببرند از درجه دفاع از موفقیت مرد و شرارت‌های درونی یک زن که با شوهرش برخورد قهرآمیز می‌کند وارد شدند و بر او تاختند که گریز از مردی فاسد به مفهوم پاک بودن زن نیست. آن‌ها به صراحت گفتند که م. تمکین در برابر شوهرش به مفهوم مقابله با نیاز فیزیکی شوهر نیست بلکه یک روزگرمرونی برای زن است که می‌خواهد آن را با رفتار ناشایست شوهر توجیه کند...»
در عمل چنین حملاتی دفاع سرسختانه‌ای از خود کرد و با گنجاندن این دفاعیه در مقدمه چاپ کتاب از خوانندگان آثارش خواست که منصفانه درباره اتهامات وارد شده به او قضاوت کنند.

نقل پاره‌ای از آن مقدمه بر زیر نیست:
«کتابی را می‌پسندم که بی‌کراکاس حق را بیان کند و به محکوم کردن زشتی‌های اجتماعی برخیزد. این بسیار تنگ‌آورد و برده‌کننده است که یک نویسنده زن فقط آن چیزی را بنویسد که مطابق میل مردان و شگدران است و از او توقع داشته باشند که برای خوشایند عیاشان و خودخواهان قلم بزند. از آن بدتر این که اگر به چنین خواسته‌ای تن ندهد به بدترین صورت ممکن او را مورد سرزنش قرار دهند...»
جالب این است که کتاب مستأجر عمارت ویلد فیل با تمام حقیقتی که به دست آورد جز اندوه چیزی برای نویسنده‌اش به ارمغان نیاورد...

ناشر کتاب با تمام سودی که از بابت چاپ این کتاب به دست آورد در مقابل این کتاب و یک کتاب دیگر، فقط بیست و پنج لیره به نویسنده آن پرداخت کرد. البته بعد از مرگ نویسنده خواهرش شارلوت برونته از طریق ناشر کتاب‌های خودش مبلغی را به او پس داد و امتیاز چاپ‌های بعدی را از او گرفت. ناگفته نماند که این ناشر معاصراش

مشابهی نیز با جرج الیوت کرده بود.
جرج اسمیت که یکی از نویسندگان صاحب نام آن روزگار انگلستان بود درباره آن برونته می‌نویسد: «... آن برونته، یک زن ثابت قدم و بی‌نهایت با جرأت بود که زندگی و

مرگ او گواه این مدعا است... او با دانشی کافی از واقعیت زندگی و آیین و پیمان‌های اجتماعی و مسائل زندگی در مدت چهار سال معلم سرخانه بودن در یک خانواده محترم، به این مهم دست یافته است...

آن برونه، اگرچه از لحاظ تعداد کار با خواهران دیگرش امیلی و شارلوت برونه در یک سطح قرار نمی‌گیرد ولی می‌توان به جرأت عنوان کرد که از پاره‌ای جهات مالک عمارت ویلدفیل، از آن‌ها پیشی گرفته است و چنانچه مرگ مرگ مجال می‌داد در عرصه رقابت خاندان برتری بی‌چون و چرا را به دست می‌آورد. او در سرودن شعر از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود.

در این باره از ویلینگتون دگرین یکی از منتقدان معاصر می‌خوانیم: «... اشعار آن برونه به وضوح خیلی بیشتر از آن خودش یعنی قرن هجدهم بود. در نوشته‌هایش از همان سبکی پیروی می‌کرد که سوزانا، پیر، جان گلت و جورج مور از صاحب‌نامان آن بودند. نوشته‌های او ناب‌تر از هیچ استعاره‌هاست...»

به گفته جورج مور: «... تحت تأثیر ریخ و ذکاوت برونه‌هاست که آن از شهرت کمتری برخوردار است و به همین خاطر من به او سندرلای ادبی لقب می‌دهم. به گمان من ارزش کار آن برونه در این نوشته‌ها بسیار است. فرصت قضاوت می‌دهد که ببینند چه اثر برجسته و ممتازی را که سرآمد تمام داستان‌ها در تاریخ داستان‌نویسی است به آن‌ها اهدا شده است...»

نویسنده در مستاجر عمارت ویلدفیل ویژگی‌های انسانی را در قالبی رقم می‌زند که هر کدام در فضایی خاص برای رسیدن به خواست‌های خود می‌کوشد. در این محبت، اصلی یعنی هلن هاتینگدون راوی، بخش عظیمی از ماجرا است و در واقع بار تمام ماجرا را به دوش می‌کشد. او با اخلاقیات تأثیر پذیرفته از خانه عمه و شوهر عمه‌اش که در آن جا می‌شد را پشت سر گذاشته، نشئه محبت پا به عرصه جستجو می‌گذارد. او قبل از عشق واقعی را تجربه نکرده است. اولین آدم قابل اعتنایی که به او اظهار عشق می‌کند موفه است. به نظرش می‌رسد. دنیای تجربه‌های غنی‌تر دیگران باعث نمی‌شود که عیوب عاشقش را ببیند و فاجعه از همین لحظه آغاز می‌شود. با وصلت این زوج جوان و کامیابی جنسی دنیای غیر واقعی آن‌ها بدل به جهنم واقعیت تلخ می‌شود. مرد در قهقرای لذت جویی و می‌گساری غرق می‌شود و تمام محاسنی که قبل از آن برای دختر مطرح بود به

شراره‌های گناه و تیره‌بختی تبدیل می‌شود.

آیا باز هم باید تسلیم خواسته‌های ویران‌گر مرد شد؟ عقل سالم این را نمی‌پذیرد ولی باورداشت‌های مرد آفریده آن روزگار مقابله با ویران‌گری مرد را نیز نمی‌پذیرد. باید گریخت، اما به کجا؟ هر جا پیدایش کنند تیره‌روزی سنگین‌تر و عمیق‌تر می‌شود.

زن گریخته از خانه مورد تهمت کسانی که او را نمی‌شناسند قرار می‌گیرد. از سویی نظر جوان پاک‌نیتی را که به شهر و فسادهای آن آلوده نیست جلب می‌کند. جوان صادقانه او را می‌خواهد و این بانوی به ظاهر سوگوار و شوی مرده نیز او را می‌خواهد اما چگونه به این می‌ماند که دوگیر قید ازدواجی دردآور است؟

تفاوت اصلی این‌که زنی شوهر مرده است در واقع اعتقادی سبولیک است چون از نظر هنجارهای اجتماعی با آن شرایط با این‌که نفس می‌کشد و مشروب و غذا می‌خورد ولی مرده است اما مردن صرف مردم نمی‌پذیرد، هم‌چنان که مقابله با چنین مرده‌ای را از سویی همسرش نمی‌پذیرد.

بهتر است در مورد دست‌عزت و یلدفیل بگوییم: «اعتراف صادقانه یک زن جسور است که با یاری کفایت و فطرت به صورت زمانی پر جاذبه درآمده است».

شیوه پرداخت رمان اگرچه بدیع نیست ولی در میان رمان‌هایی که به طریق استفاده از خاطره نویسی نوشته شده‌اند مقام ممتازی را دارد.

ماجرای مستأجر عمارت و یلدفیل می‌تواند به جای مجزا دانست که به دلیل داشتن یک شخصیت مشترک صورت زمانی واحد یافته است.

یک بخش رمان به زندگی هلن هاتینگدون در دوران فراوان خانگی در نهایت سامان یافتن مربوط می‌شود و بخش دیگر آن وضعیت هلن است پس از فراوان و با توجه به جراحایی که به فراوان منجر می‌شود.

شاید داوری کردن درباره چنین اثری کار درستی نباشد چون بازگو کردن زندگی‌های اثر، خواننده را از لذتی که باید با اکتشافات خودش به آن دست یابد محروم می‌کند. بی‌اشاره‌گذاشتن از آن‌ها هم بی‌انصافی است چون امکان دارد بی‌حوصلگی و سبک شدن عرصه بر زمان‌های واقع‌گرا باعث بی‌خبر ماندن خوانندگان علاقه‌مند به چنین آثاری شود.